

تحلیل گفتمان انتقادی تاریخی از استقلال دانشگاهی نظام آموزش عالی ایران^۱

ابراهیم خلیلی^۲
علی خورسندی طاسکوه^۳
حمیدرضا آراسته^۴
سعید غیائی‌نوشن^۵

چکیده

استقلال مؤسسات آموزش عالی اغلب آمیزه‌ای از حقوق موروثی، سنت، اهداف قانونگذار و فرهنگ اجتماعی بوده و برداشت از استقلال دانشگاه، وابستگی بسیار زیادی به پس زمینه خاص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور دارد. پژوهش حاضر با هدف فهم و تبیین عدم تحقق استقلال دانشگاهی مطلوب در نظام آموزش عالی ایران به لحاظ تاریخی شکل گرفت. روش‌شناسی پژوهش متأثر از رویکرد روث و داک، «تحلیل گفتمان انتقادی» است. جامعه آماری شامل مهمترین متون نوشتاری و گفتاری بود که پیرامون شرایط استقلال دانشگاهی در ایران مطرح هستند. نمونه‌گیری بر اساس راهبردهای تحقیقات کیفی، هدفمند بوده و از حداقل چهارده مقاله، تحقیق، کتاب و آئین‌نامه به‌عنوان نمونه نوشتاری و یازده مصاحبه با صاحب‌نظران در قالب نمونه گفتاری بهره

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته مدیریت آموزش عالی با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی استقلال دانشگاهی در آموزش عالی ایران» است که در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه علامه طباطبائی انجام شده است.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران:

Khalil.eb59@yahoo.com

۳. استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران، مسئول مکاتبه: khorsandi@gmail.com

۴. استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: Arastehhr@yahoo.com

۵. استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران: Ghiasi.saeed@gmail.com

گرفته شده است. روش عملی جمع‌آوری داده‌ها، مرور اسناد بوده و برای تحلیل داده‌ها از هر سه روش تحلیل تحقیقات تحلیل گفتمان انتقادی (تحلیل موضوعی، تحلیل متون نوشتاری و تحلیل متون گفتاری) به صورت توأمان، استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد در بررسی تاریخی وضعیت استقلال دانشگاهی، دو حوزه بسیار اثرگذار است؛ «سنت‌ها و هنجارهای علمی» و «مداخلات و اعمال قدرت دولت». در آموزش عالی ایران، وزن دلایل تاریخی متأثر از مداخلات و اعمال قدرت دولت به مراتب بیشتر از سنت‌ها و هنجارهای علمی بوده و بیشتر مشکلات استقلال دانشگاهی ایران، به ترتیب به ریشه‌های تاریخی از استقلال سازمانی و علمی برمی‌گردد. در انتها، راهبردهای سیاستی «حضور هر چه بیشتر دانشگاهیان در اداره کردن آموزش عالی»، «تعدیل نگرش‌های سیاسی و مذهبی»، «بازنگری دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در آموزش عالی» و «کاهش وابستگی دانشگاه‌ها به منابع دولتی» برای احیای استقلال دانشگاهی در ایران پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: استقلال دانشگاهی، نظام آموزش عالی ایران، تحلیل گفتمان انتقادی، دولت، رویکرد وداک.

مقدمه و بیان مسأله

ارزش‌های آکادمیک^۱ (نهادی) شامل آزادی علمی^۲، زندگی کالجی^۳، مسئولیت اجتماعی^۴، تعالی علمی^۵، تنوع و کثرت‌گرایی فکری^۶، تحرک دانشجویان^۷، تبادلات دانش^۸ و استقلال دانشگاهی^۹ است (خورسندی طاسکوه^{۱۰}، ۲۰۱۴: ۱۴). در بین ارزش‌های نهادی دانشگاه، استقلال دانشگاهی از مهمترین و ضروری‌ترین، ارزش‌ها بوده که خود می‌تواند پایه‌ای برای تحقق سایر ارزش‌ها و کارکردهای دانشگاهی باشد. «پیش‌نیاز موفقیت آموزش عالی، استقلال دانشگاهی توأم با آزادی علمی است» (زاهدی‌اصل، ۱۳۹۶: ۴۴۹). استقلال مؤسسات آموزش عالی، یک فرهنگ خاص، حق یا قدرت است، به طوری که ویژگی‌های استقلال دانشگاه‌های یک کشور را نمی‌توان برای کشور دیگر در نظر گرفت (فیلدن^{۱۱}، ۲۰۰۸: ۱۸). از این رو باید اشاره نمود که «استقلال دانشگاهی بر روی یک طیف قرار دارد» (آراسته، ۱۳۸۳: ۴) و این طیف در کشورهای مختلف، با توجه به بسترهای اجتماعی - فرهنگی و شرایط حکومتی و اجتماعی آن جامعه متفاوت است.

۱. Academic values
۲. Academic freedom
۳. Collegiality
۴. Social responsibility
۵. Scholarly excellence
۶. Intellectual pluralism and diversity
۷. Scholars mobility
۸. Knowledge exchanges
۹. University Autonomy
۱۰. Khorsandi Taskoh
۱۱. Fielden

در آموزش عالی همواره روابط پر فراز و نشیبی بین دانشگاه‌ها و دولت وجود داشته و بحث‌های مختلفی از دلایل و نتایج مداخلات نیروهای خارج از آموزش عالی بر دانشگاه‌ها به میان آمده است. آموزش عالی همواره بر روی ارزش‌های نهادی و سازمانی خود برای تحقق انتظارات و رسالت‌ها تاکید داشته و تلاش دارد خود را از دخالت و فشارهای بیرونی دور نگاه دارد. به همین دلیل، کشمکش و نزاع بین مواضع ایدئولوژیک استقلال دانشگاهی و دخالت و فشارهای دولتی، سابقه بسیار طولانی در آموزش عالی داشته و مورد بحث بوده است. نتایج حاصل از نوع رابطه بین دولت و دانشگاه (از حمایت و نظارت دولت تا دخالت و اعمال قدرت آن)، موقعیت فعلی استقلال دانشگاهی در هر کشوری را شکل می‌دهد.

با وجود اینکه قوانین مختلفی پیرامون تحقق استقلال دانشگاهی در آموزش عالی ایران نگاشته و ابلاغ شده است مانند بند (الف) ماده ۴۹ برنامه چهارم و بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه کشور، اما همچنان مقوله استقلال در آموزش عالی ایران با چالش‌های مختلفی مواجه است. فراستخواه (۱۳۸۹:۲۷) معتقد است: «دانشگاه ایرانی از ابتدا فاقد ریشه‌های هنجاری قوی و نظام حرفه‌ای درون‌زا بود و زیر پایش از حیث استقلال سست بود. از سوی دیگر، قدرت فراگیر دولت و فقدان یا ضعف نهادهای رقیب غیردولتی، موجب شد که دانشگاه در درون دولت به وجود بیاید. این عوامل سبب شده که استقلال دانشگاه ایرانی پیوسته با فراز و نشیب‌ها و بیم و امیدهایی همراه بوده و نقدهای زیادی پیرامون آن وجود داشته باشد». با این توصیف، مسئله اصلی این پژوهش، ریشه‌یابی عدم شکل‌گیری استقلال دانشگاهی مطلوب در نظام آموزش عالی ایران است. در یک رویکرد کلی، ریشه‌یابی این مسأله می‌تواند به ابعاد تاریخی و جامعه‌شناختی تقسیم گردد. (البته در این پژوهش صرفاً بُعد تاریخی به دلیل رعایت اختصار و حجم مقاله، مورد بررسی قرار گرفته است).

از نزاع و کشمکش بین دولت و دانشگاه در مقوله استقلال دانشگاهی، می‌توان به همان تناسب، به جدال بین «قدرت» و «ایدئولوژی» در رویکرد «تحلیل گفتمان انتقادی» یاد نمود، لذا تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند رویکردی مناسب و مطلوب برای بررسی وضعیت استقلال دانشگاهی نظام‌های آموزش عالی کشورها محسوب شود. از طرفی در رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد «روث وداک»، در همسویی با ابعاد مسئله ترسیمی بالا، در بررسی علل عدم تحقق هر ارزش یا مطلوب و یا اعمال قدرت بر آن، قائل به دو بررسی تاریخی و جامعه‌شناختی است؛ لذا چنانچه بخواهیم بر اساس واژگان کلیدی مورد استفاده در رویکرد وداک از CDA، مسئله این پژوهش را بازنمایی کنیم، می‌توان بیان نمود که روابط سلطه خاصی میان دانشگاه‌ها و دولت

۱. Power
۲. Ideology
۳. Critical Discourse Analysis
۴. Ruth Wodak

در بحث استقلال دانشگاه‌ها وجود داشته که دارای ریشه‌های تاریخی و جامعه‌شناختی است. از یک سو، دانشگاه‌ها با استناد به مواضع ایدئولوژیک گفتمان استقلال دانشگاهی، بر استقلال خود تأکید داشته و در طرف دیگر، دولت‌ها با تأکید بر حمایت به‌خصوص مالی از دانشگاه‌ها، با استفاده از ابزارهای مختلف، در دانشگاه‌ها دخالت و استقلال آن‌ها را به چالش کشیده و در حقیقت اعمال قدرت می‌نمایند؛ لذا چارچوب نظری پژوهش حاضر بر اساس نظریات و رویکرد «وداک» از مفاهیم گفتمان، قدرت، ایدئولوژی و تحلیل انتقادی تاریخی از موقعیت گفتمان شکل گرفت. به‌عبارتی دیگر، با استفاده از روش «وداک»، با رویکرد انتقادی (در جهت حمایت از استقلال دانشگاهی)، به تحلیل تاریخی از عدم تحقق استقلال دانشگاهی متناسب نظام آموزش عالی ایران خواهیم پرداخت. پیرامون اهمیت انجام پژوهش، نتایج آن می‌تواند در موارد زیر به آموزش عالی کشور، تحقق استقلال دانشگاهی در آن و ... کمک نماید:

— به ایجاد باور مشترک برای اینکه، مدل یکسان و ثابتی برای استقلال دانشگاهی وجود ندارد و هر کشوری با توجه به شرایط و اقتضائات خاص جامعه و آموزش عالی خود، نیازمند تحلیل مناسبی از وضعیت موجود در استقلال دانشگاهی آموزش عالی خودش است کمک نماید؛

— اثرات و نتایج اعمال قدرت بر استقلال در آموزش عالی کشور را از بُعد تاریخی، بحث و ریشه‌یابی نماید؛
— زمینه‌های افزایش دانش رهبران دانشگاهی، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران حوزه دانشگاه‌ها و آموزش عالی و همچنین کادر متخصص دانشگاهی و علمی کشور را فراهم آورده و از طرفی نظرات و تفکرات اندیشمندان این حوزه را به‌صورت کاملاً خلاصه‌شده و کاربردی در یک مجموعه گرد هم آورد؛

— با ایجاد تصویری مناسب از ضرورت وجودی استقلال در آموزش عالی، به هم‌افزایی بین جامعه دانشگاهیان و دولتمردان برای تحقق واقعی و مطلوب، این ارزش نهادی در آموزش عالی کمک نماید؛
— با شناخت برخی از موانع و چالش‌های استقلال دانشگاهی در آموزش عالی کشورمان، زمینه لازم برای طرح-ریزی و برنامه‌ریزی به‌منظور رفع این موانع را فراهم نماید.

پیرامون ضرورت انجام پژوهش، عدم انجام آن می‌تواند مسائل زیر را به همراه داشته یا تداوم بخشد:
— فهمی مشترک از بایدها و ارزش‌های استقلال در آموزش عالی ایجاد نشده و همچنان اختلاف‌نظرها پیرامون جایگاه و ضرورت استقلال در آموزش عالی کشور تداوم می‌یابد؛

— شناخت‌شناسی مناسبی از ریشه‌های تاریخی وضعیت کنونی استقلال در آموزش عالی ایران صورت نپذیرد؛
— فضای لازم برای چاره‌اندیشی پیرامون رفع مشکلات و مسائل استقلال دانشگاهی در ایران فراهم نگردد؛

با توجه به تأثیرپذیری مستقیم کیفیت و پاسخگویی دانشگاه از استقلال در آموزش عالی (به نقل از آراسته، ۱۳۸۴: ۴)، عدم انجام چنین تحقیقات و تلاش برای تحقق استقلال دانشگاهی مطلوب، باعث تداوم روند نامناسب فعلی کیفیت و پاسخگویی از سوی آموزش عالی در کشور خواهد شد.

ادبیات پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی

«تحلیل گفتمان انتقادی» ریشه در «زبان‌شناسی انتقادی»^۱ دارد (وداک، ۲۰۱۳: ۲۷) و فرکلاو^۲ (۲۰۱۲: ۴۵۲) آن را روشی می‌داند که برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی بکار گرفته می‌شود و مرجعی است که در نزاع علیه استعمار و سلطه، مورداستفاده قرار می‌گیرد. تحلیل‌گران گفتمان انتقادی می‌خواهند «نابرابری اجتماعی را بدانند، آن‌ها را افشاء کنند و در برابر آن مقاومت کنند»^۳ (احمدوند^۴، ۲۰۰۷: ۸۳). تحلیل گفتمان انتقادی در جستجوی این است که گفتمان چگونه در روابط قدرت درگیر شده است و شخص را قادر می‌سازد تا شرایط پشت پرده یک مشکل خاص را درک نماید و این مورد می‌تواند برای هر نوع مشکل یا موقعیتی قابل‌تعمیم باشد (مواگاشوا^۵، ۲۰۱۴: ۱۰۵).

مهم‌ترین نقش در تحلیل گفتمان انتقادی را «ایدئولوژی» و «قدرت» بازی می‌کنند (وداک، ۲۰۱۳: ۱۷۱). این رویکرد تمایل دارد که موارد سوءاستفاده از قدرت را نمایش دهد که از طریق گفتارها و مفاهیم بیان شده و نتیجه آن سلطه و فشار است. قدرت در تحلیل گفتمان انتقادی، نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور بوده و به طبقه یا گروه خاصی تعلق دارد (فرکلاو، ۲۰۱۲: ۲۳). ایدئولوژی بُعدی از تمرین قدرت و مقاومت در برابر آن است. ایدئولوژی‌ها ساخت‌های معنایی هستند که در تولید، بازتولید و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند. ایدئولوژی نمود جنبه‌هایی از جهان است که به ایجاد، تداوم و تغییر روابط اجتماعی قدرت، سلطه و استثمار کمک می‌کند (همان: ۶۷).

رویکرد وداک در تحلیل گفتمان انتقادی

روث وداک که رویکرد وی به «رویکرد جامعه‌شناختی و تاریخی»^۶ مشهور است، تحلیل گفتمان انتقادی را علاقه‌مند به تحلیل روابط ساختاری آشکار و پنهان سلطه، تبعیض نژادی، قدرت و کنترل و تجلی آن‌ها در زبان می‌داند. وی چهار مفهوم اصلی در تحلیل گفتمان انتقادی را نقد، قدرت، تاریخ و ایدئولوژی معرفی نموده است

۱. Critical Linguistic
۲. Fairclough
۳. to understand, expose, and resist social inequality
۴. Ahmadvand
۵. Mogashoa
۶. Sociological and historical approach

(وداک، ۲۰۱۳: ۲۳). طبق نظر وداک، تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند به‌عنوان تحلیلی در روابط ساختاری مبهم و همچنین شفاف‌سازی سلطه، تبعیض، قدرت و کنترل ظاهرشده در زبان تعریف گردد. بدین ترتیب، تحلیل گفتمان انتقادی قصد دارد تا «نابرابری اجتماعی انتقادی»^۱ را به گونه‌ای بیان کند که از طریق استفاده از زبان (در گفتمان) بیان‌شده، سیگنال شده، تشکیل شده، مشروعیت داده شده و ... است (ژی‌ویانگ و بوخاری^۲، ۲۰۱۳: ۱۰). تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان - استفاده از زبان در گفتار و نوشتار^۳ - را به‌عنوان یک شکل از «کنش اجتماعی»^۴ مدنظر قرار می‌دهد و شامل درک متنوعی از اصطلاحات «انتقادی»^۵، «انتقاد»^۶ و «نقد»^۷ است؛ اول اینکه، تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند به «بیان صریح ضمنی» کمک کند. دوم، «انتقادی بودن» در آن شامل داشتن «خود بازانعکاسی و خود انتقادی»^۸ است. به این معنا که تحلیل گفتمان انتقادی نه تنها به معنی انتقاد از دیگران است همچنین به معنای انتقاد از خود است. سوم، تحلیل انتقادی عملی است که ممکن است به تغییر اجتماعی کمک کند (وداک، ۲۰۱۴: ۳۰۳).

استقلال دانشگاهی و مشخصه‌های ایدئولوژیک آن

استقلال دانشگاه به میزان وابستگی یا مستقل بودن یک دانشگاه از نهادهای دیگر مانند دولت یا شرکت‌ها اشاره دارد (صوفین و وونگ^۹، ۲۰۱۴: ۱۰۸) و به‌عنوان توانایی‌های دانشگاه‌ها در تعیین اهداف خود، تصمیم‌گیری در مدیریت آن‌ها، استخدام کارکنان و دانشگاهیان، دارا بودن مبلغی ذخیره تحت عنوان بودجه، ارائه آزادانه برنامه‌های جدید توصیف شده است (استرمن و نوکالا^{۱۰}، ۲۰۰۹: ۲). استقلال دانشگاه به این معنی است که دانشگاه بتواند به‌عنوان یک نهاد توانمند خود را اداره کند، دارای مدیریت خودگردان بوده و از اختیارات اداری، مالی، تشکیلاتی، برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی و امثال آن برخوردار باشد. در مقابل باید به این نکته اساسی توجه کرد که استقلال دانشگاه‌ها به معنی خودکامگی و جدایی از حاکمیت و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه و خروج از قانون و قانون‌مداری نیست (زاهدی‌اصل، ۱۳۹۶: ۳).

۱. Critically social inequality
۲. Xiaoyang & Bukhari
۳. language use in speech and writing
۴. Social practice
۵. Critical
۶. Criticism
۷. Critique
۸. Self-reflective and self-critical
۹. Sufean & Wong
۱۰. Estermann, Nokkala

استقلال دانشگاهی یعنی حق موسسه در تصمیم‌گیری درباره ملاحظات اصلی دانشگاهی و آزادی علمی به معنای عدم دخالت عوامل بیرونی در پیگیری این ملاحظات (کایا^۱، ۲۰۰۶: ۲۱). اصل استقلال دانشگاه به جامعه دانشگاهی اجازه می‌دهد که مأموریت خود، استراتژی نهادی، ساختار، فعالیت‌ها، سازمان‌دهی و عملیات، مدیریت منابع انسانی و مادی خود را بنا نهاد (فلورنتینا و سفتا^۲، ۲۰۱۳: ۱۹۶). استقلال به معنای آزادی در سازمان‌دهی و مسائل اجرایی درون موسسه به گونه‌ای است که کیفیت تدریس و تحقیق بدون دخالت از سوی مقامات دولتی تضمین می‌شود (برگان^۳، ۲۰۱۸: ۲۸) و کارکنان دانشگاه از چنان توانمندی برخوردار هستند تا از استعدادهای حرفه‌ای و تجربیات خود برای تحقق بهترین نتایج یادگیری و تحقیق استفاده کنند (پیتچ^۴، ۲۰۱۶: ۲). مهم‌ترین تحقیقی که ابعاد استقلال دانشگاه را به‌طور کامل، موردبررسی و نقد قرار داده است به تحقیقات انجمن دانشگاه‌های اروپایی برمی‌گردد. این پژوهش سی‌وچهار کشور این اتحادیه را با بیش از سی شاخص در چهار حوزه کلیدی زیر مورد مقایسه قرار داده است:

۱. استقلال سازمانی^۵ (ساختارهای علمی و اداری، رهبری و حکمرانی)؛
۲. استقلال علمی^۶ (زمینه‌های مطالعاتی، تعداد دانشجویان، انتخاب دانشجو و همچنین ساختار و محتوای مدارج مدارج تحصیلی)؛
۳. استقلال مالی^۷ (توانایی جمع‌آوری وجوه، اماکن و ساختمان‌ها، قرض گرفتن پول و تنظیم هزینه‌های تحصیلی)؛
۴. استقلال استخدامی^۸ (توانایی استخدام مستقل، رشد و توسعه کارکنان هیئت علمی و اداری دانشگاه). (استرمن، ۲۰۱۷: ۴).

آزادی علمی و استقلال نهادی بعضی اوقات تحت تهدید قرار می‌گیرند زیرا «آموزش عالی تحت کنترل ملی است»^۹ (بلاد^{۱۰}، ۲۰۱۸: ۲۹). در تعریفی دیگر، استقلال دانشگاهی عبارت است از تغییر مداوم ارتباطات بین دولت و مؤسسات آموزش عالی و درجه کنترلی که به‌وسیله دولت اعمال می‌شود که این کنترل، بستگی به شرایط و زمینه‌های ملی دارد (استرمن و نوکالا، ۲۰۰۹: ۱۷) لذا استقلال اغلب به‌عنوان موضوعی بین دولت و

۱. Kaya
۲. Florentina & Safta
۳. Bergan
۴. Pitch
۵. Organizational Autonomy
۶. Academic autonomy
۷. Financial autonomy
۸. Staffing autonomy
۹. Higher education is under national control
۱۰. Bladh

مؤسسات آموزشی مورد بحث قرار می‌گیرد (نوردا^۱، ۲۰۱۳: ۷). آزادی علمی و تنوع نهادی اغلب از لحاظ «روابط «روابط قانونی بین مؤسسات آموزش عالی و مقامات دولتی» که اغلب به عنوان «دولت آ» شناخته شده است نشئت می‌گیرد. بدون نوعی تضمین قانونی از سوی دولت، بعید است آزادی علمی و استقلال نهادی رشد کنند. مسائل کاملاً پیچیده و غالباً غیرقانونی وجود دارد که بر میزان آزادی علمی و استقلال سازمانی دانشگاه‌ها، تأثیر می‌گذارد (برگان، ۲۰۱۸: ۲۸). امروزه دولت‌ها تلاش زیادی دارند تا دانشگاهیان را تحت نظر قرار داده و برای آنان ایجاد محدودیت نمایند (هایس^۲، ۲۰۱۶: ۶۶). دانشگاه به عنوان سازمانی که نمایندگی نهاد علم را بر عهده دارد در احاطه ترکیب پیچیده‌ای از نیروهای اجتماعی قرار دارد. اولریک^۳ (۲۰۱۱: ۷)، بیان می‌نماید که تعدادی نیروی خارجی همواره بر سیستم دانشگاه، نیرو وارد کرده و سعی می‌نمایند بر روی آن تأثیر وارد نموده یا حداقل با آن در تعامل باشند.

منظور از قدرت در گفتمان استقلال دانشگاهی، همان نیروهایی است که از بیرون محیط یا سیستم دانشگاه، به این سامانه در جهت تأمین انتظارات، نظرات، منافع و اهداف خود به انحای مختلف، فشار وارد می‌نمایند که در محوریت این فشارها و تقاضاها، دولت یا سیاستمداران یک کشور قرار دارند؛ اما در مقابل، ایدئولوژی شامل مبنایی، ریشه، ارزش و پیشینه ضرورت وجودی استقلال برای محیط‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها است که به منظور پاسداری از این ارزش بنیادی و اساسی، به مقابله با قدرت‌های وارد به سیستم دانشگاهی می‌پردازد. مقصود از مبنایی ایدئولوژیک استقلال دانشگاهی در آموزش عالی، این است که جاری شدن چه ارزش‌هایی در آموزش عالی، منوط به وجود استقلال دانشگاه‌ها است خلاصه‌تر اینکه با محور قرار دادن سامانه دانشگاهی، قدرت جنبه بیرونی و ایدئولوژی جنبه درونی دارد. مهم‌ترین مشخصه‌های ایدئولوژیک استقلال دانشگاهی در آموزش عالی در قالب شکل ۱ آمده است.

-
۱. Noorda
 ۲. Legal relationship between higher education institutions and public authorities
 ۳. the state
 ۴. Hayes
 ۵. Ulrike



شکل شماره ۱: مشخصه‌های ایدئولوژیک گفتمان استقلال دانشگاهی (خلیلی، ۱۳۹۷: ۲۰۱)

استقلال دانشگاهی در آموزش عالی ایران

استقلال دانشگاهی در ایران همواره با کشمکش، مجادله و سوء فهم مواجهه بوده است (آراسته، ۱۳۸۳: ۴). در ایران از اواسط قرن نوزدهم مؤسسات آموزش عالی سنتی احداث گردیدند. از آنجا که این مؤسسات از متن

تحولات درونی سنت‌های تعلیمی و تحقیق این جامعه و در بستری از سیر تکاملی و توسعه این سنت‌ها به وجود نیامدند نگاه دولت به دانشگاه‌ها همواره نگاه ایزاری بوده است (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۲۷).

پس از انقلاب اسلامی، مدت‌ها استقلال دانشگاهی حتی بر روی کاغذ و در سیاست‌ها و قوانین کشور نیز کنار گذاشته شده بود؛ اما از دهه‌ی ۱۳۷۰ شمسی به بعد روندی از اصلاحات و تغییرات در جهت احیای مجدد هیئت‌های امنا، تفویض اختیارات برنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها و مانند آن آغاز شد. هم‌اکنون ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب سال ۱۳۸۳، دانشگاه‌ها را دارای شخصیت مستقل شناخته است. همچنین ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰ بر اداره دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بر اساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیئت امنا مربوط تأکید می‌کنند ولی باگذشت سال‌ها، هنوز وظائف هیئت امنا که در سال ۱۳۶۸ به‌صورت محدود به تصویب رسیده بود تغییر نکرده و بر میزان و حدود اختیارات آن‌ها افزوده نشده است (رزاق مرندی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰). حقایق آموزش عالی ایران بیانگر آن است که نظام دیوان‌سالار و متمرکز کنونی توانایی هدایت مراکز آموزش عالی را ندارد. نظام آموزش عالی به‌عنوان زیر نظامی از دولت و با ساختار متمرکز در اموری چون پذیرش دانشجو، برنامه‌ریزی درسی، تخصیص بودجه، انتصاب رئیس دانشگاه و گزینش اعضای هیئت علمی و کارکنان، کارایی خود را از دست داده است (آراسته^۱، ۲۰۰۱). عوامل امتناع استقلال مطلوب در دانشگاه ایرانی پیچیده، چندعاملی و در پاره‌ای مواقع ناشناخته هستند. باوجوداین، وجود حساسیت‌های غیر آکادمیک، تکثر حضور نیروهای غیرآکادمیک در اتمسفر آموزش عالی، آشفتگی فلسفی و ضعف معرفتی نهاد دانشگاه و نیز چالش تاریخی هویت و آشفتگی کارکرد، از موانع جدی استقلال دانشگاه در آموزش عالی ایران هستند (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: ۱۹). مهم‌ترین عوامل امتناع استقلال مطلوب در آموزش عالی ایران به شرح زیر است:

– سابقه تاریخی: پیدایش دانشگاه در درون دولت و قدرت فراگیر دولت؛

– ساختار سیاسی دولت‌ها: در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته به علت بسته بودن فضای

سیاسی و اجتماعی، مجالی برای اندیشه‌ورزی و بیان آزادانه افکار پدید نمی‌آید (خلفخانی، ۱۳۹۲: ۸۴)؛

– دیوان‌سالاری اداری و مالی: قرار داشتن نظام آموزش عالی کشور در درون فضای اداری و مالی متمرکز،

سلسله‌مراتبی و قیم‌مابانه دولت (غفرانی، ۱۳۸۲: ۸۳)؛

۱. Arasteh

پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری: مسئولیت‌نهایی کیفیت مؤسسات آموزش عالی و کار علمی بر عهده دولت است و دولت باید در این زمینه پاسخگو باشد، دولت همواره به‌عنوان زیرسیستم خود به آموزش عالی نگاه می‌کند؛

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی: دسترسی دولت به نظام‌های جامع آماری برای تعیین تقاضاها و رشته‌های موردنیاز بازار کار؛

عوامل فرهنگی: دولت‌ها با مداخله در آموزش عالی در تلاش‌اند تا از استقلال فرهنگی حفاظت نمایند مانند دوران انقلاب فرهنگی؛

عدم ارتباط دانشگاه‌ها و صنایع و فقدان تنوع منابع مالی: وابستگی به منابع مالی دولتی، فقدان جذب منابع کافی از جمله درآمدهای اختصاصی، باعث وابستگی بیشتر دانشگاه‌ها به دولت شده است؛

سیاست‌گذاری دولت در راستای توسعه اقتصادی از طریق توسعه آموزش عالی: دولت همواره سعی می‌کند تا از طریق اداره دانشگاه‌ها زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم نماید؛

شرایط اجتماعی جامعه ایران: شرایط اجتماعی جامعه ما، از سطوح خرد تا کلان جامعه از ابتدا تا حدی با ساختار نظارتی انطباق یافته است. در نظام‌های دانشگاهی نیز چنین وضعی وجود دارد (شرفی، ۱۳۹۶: ۳۵۰).

برخی از ساختارهایی که در برابر «متن‌های معطوف به استقلال و آزادی آکادمیک» در ایران کنونی مقاومت می‌کنند، عبارت‌اند از: ۱) غلبه سیاست و ایدئولوژی مذهبی و تمامی‌خواهی بر آموزش عالی و مدیریت دانشگاهی؛ ۲) دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در سیاست‌گذاری آموزش عالی؛ ۳) میل به تمرکز در دیوان‌سالاری دولت و تسری آن بر مدیریت دانشگاهی؛ ۴) عادات و رویه‌های مألوف در فرهنگ‌سازمانی «مدیریت دولتی» که حتی بر اداره دانشگاه‌ها سایه‌انداز بوده است؛ ۵) فقدان تنوع کافی در منابع مالی و اعتباری دانشگاه‌ها و ضعف تکنیک‌های مدیریت مالی در آن‌ها؛ ۶) ضعف بخش خصوصی و غیردولتی و NGO ها و نهادهای مدنی در کشور از جمله در عرصه علم؛ ۷) ضعف نهادهای دانشگاهی و اجتماع علمی (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۳۷).

روش‌شناسی پژوهش

به لحاظ روش تحقیق، این پژوهش در زمره تحقیقات تحلیل گفتمان که از راهبردهای پژوهش کیفی است قرار دارد. جامعه آماری پژوهش شامل مهم‌ترین متون (اعم از زبان نوشتاری یا گفتاری)^۱ است که پیرامون وضعیت استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران بکار برده می‌شوند. به بیانی دیگر، شاخص‌ترین مقاله‌ها، آئین-نامه‌ها، تحقیقات کاربردی و ... (متون نوشتاری) و نظرات، تفاسیر و انتقادات صاحب‌نظران (متون گفتاری) در ارتباط با استقلال دانشگاهی ایران، به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش محسوب شده‌اند. نمونه‌گیری در تحلیل

۱. spoken or written language

گفتمان انتقادی هم بر اساس راهبردهای تحقیقات کیفی، هدفمند^۱ است؛ لذا در پژوهش حاضر از میان متون (نوشتاری یا گفتاری) احصاء شده، متونی که جنبه نمونه یا معرف را داشته‌اند یا بیشترین نقش را در موضوع تحقیق داشته و بیانگر دلایل تاریخی عدم شکل‌گیری استقلال مطلوب در نظام آموزش عالی ایران بوده‌اند به‌عنوان نمونه هدفمند آماری، انتخاب شده‌اند. در جدول شماره ۱ به برخی از مهم‌ترین نمونه‌های نوشتاری پژوهش اشاره شده است:

جدول شماره ۱: برخی از مهم‌ترین اعضای نمونه نوشتاری پژوهش

نوع نمونه	ردیف	مشخصات نمونه‌های نوشتاری		
		عنوان	سال	نگارنده
آماری	۱	آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاهی مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری	۱۳۹۱	وزارت علوم
	۲	آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری	۱۳۸۹	شورای عالی انقلاب فرهنگی
	۳	آیین‌نامه مالی، معاملاتی و تشکیلاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	۱۳۹۱	وزارت علوم
	۴	قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۸۳	مجلس شورای اسلامی
	۵	قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی	۱۳۶۷	شورای عالی انقلاب فرهنگی
فصلنامه‌ها، مجله‌ها، کتاب‌ها	۶	استقلال نهادی دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری	۱۳۹۲	رزاق مرندی، هادی؛ رحیم‌زاده، خرم؛ خواجه‌اف، قربان
	۷	مطالعه ظرفیت‌های قانونی استقلال دانشگاه در	۱۳۹۲	ذاکر صالحی،

۱. Purposeful

تحلیل گفتمان انتقادی تاریخی از استقلال دانشگاهی... / ۴۱

عالی ایران	غلامرضا		ایران		
دانشگاه علامه طباطبائی	فراستخواه، مقصود	۱۳۹۶	استقلال دانشگاهی در ایران؛ پیش برنده‌ها و بازدارنده‌ها	۸	
دانشگاه علامه طباطبائی	زاهدی‌اصل، محمد	۱۳۹۶	مفهوم استقلال دانشگاه، مبانی حقوقی، موانع و محدودیت‌ها	۹	
دانشگاه شهید بهشتی	آذرگشب، اذنالہ	۱۳۸۶	رساله دکتری «بررسی کارکردهای هیئت‌های امناء و نقش آن در استقلال دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»	۱۰	
موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	بیرن‌بانوم، رابرت	۱۳۸۹	دانشگاه‌ها چگونه کار می‌کنند	۱۱	۳/۱۰
ثالث	فاضلی، نعمت‌اله	۱۳۹۳	فرهنگ و دانشگاه	۱۲	
نی	فراستخواه، مقصود	۱۳۸۹	دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی	۱۳	
ققنوس	یاسپرس، کارل	۱۳۹۴	ایده دانشگاه	۱۴	

برای نمونه‌های گفتاری، یازده مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران و مسئولین آموزش عالی و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها انجام شده است. در قالب این مصاحبه‌ها، متون مربوط به سخنرانی‌های صاحب‌نظران، نقدهای آنان و حتی تألیفات و مقالات آموزشی و پژوهشی آنان مورد مشاهده قرار گرفته است. این متون و مواجهات، ضبط یا رونویسی شده که مجموعاً حدود ۱۲۷ صفحه متن را شامل گردید. مصاحبه‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۷/۱/۲۰ الی ۱۳۹۷/۳/۸ صورت پذیرفته است. شایان‌ذکر است به دلایل خاص و رعایت امانت در تعهد به مصاحبه‌شوندگان، از ذکر اسامی مستقیم مصاحبه‌شوندگان در متن پژوهش خودداری شده و برای هر نفر، کد اختصاصی به شرح جدول زیر منظور شده است. اسامی مصاحبه‌شوندگان، در نزد محققان محفوظ است. نمونه‌های گفتاری این پژوهش از مصاحبه‌های جدول شماره ۲ برداشت شده است.

جدول شماره ۲: مسئولیت و تعداد اعضای نمونه گفتاری پژوهش

ردیف	مسئولیت	تعداد	کد اختصاصی در یافته‌های پژوهش
۱	رئیس‌ان دانشگاه‌های برتر کشور	یک نفر	(۱)

۲	اعضای هیئت علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	یک نفر	(۲)
۳	روسای گروه‌های علمی دانشگاه صنعتی شریف	یک نفر	(۳)
۴	روسای گروه‌های علمی دانشگاه شهید بهشتی	یک نفر	(۴)
۵	استادان دانشگاه و مشاوران روسای دانشگاه‌های برتر کشور	یک نفر	(۵)
۶	استادان دانشگاه و روسای انجمن‌های علمی کشور	یک نفر	(۶)
۷	اعضای هیئت علمی برجسته دانشگاه‌های برتر کشور (صاحب‌نظر و دارای تألیف در حوزه استقلال دانشگاهی)	پنج نفر	(۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱)

با توجه به رویکرد تحلیل گفتمان، روش عملی جمع‌آوری داده در این پژوهش شامل مرور اسناد است. روش‌های تحلیل در CDA، شامل سه نوع تحلیل موضوعی، تحلیل متون نوشتاری و تحلیل متون گفتاری به شرح زیر است:

۱. تحلیل موضوعی^۱: به معنای تلاش جهت شناسایی مقوله یا قالبی معنادار در بطن داده است. در تحلیل موضوعی، وظیفه محقق شناسایی تعداد محدودی از موضوعات است که به‌طور مناسب منعکس‌کننده اطلاعات متنی هستند.

۲. تحلیل متن نوشتاری^۲: در این جستار، متن با نگاهی به نوع متن، محتوا، موقعیت‌ها، شخصیت‌ها، طرح، پیام و دیدگاه محققان مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۳. تحلیل متن گفتاری^۳: در این قسمت، تحلیل متن‌های مختلف نیاز به تشخیص ویژگی‌های ظاهری، زبان-شناسی و علائم حرکتی دارد. برای درک و تفسیر درست معنای متن، باید آن را در چهارچوب یک جامعه خاص و شرایطی که متن در آن ارائه شده است قرار داد (موگاشوا، ۲۰۱۴: ۱۰۹).

در این پژوهش تحلیل داده‌ها با استفاده از هر سه روش تحلیل به‌صورت توأمان و با تأکید بر جنبه‌های زبان-شناختی و بین متنی، صورت گرفته است. بدین منظور، رونوشت‌ها به‌طور تکراری تحلیل شدند. با ایجاد برش‌های افقی و عمودی در سطح و عمق متن‌های منتخب، معانی کلان و فوقانی، ابتدا از طریق تجرید مؤلفه‌های

-
۱. Thematic Analysis
 ۲. Print Text Analysis
 ۳. Oral Text Analysis

متنی از یکدیگر و سپس، با بررسی ساختارهای خرد و کلان از لایه‌های مختلف متنی و فرامتنی در یک رابطه متقابل و هم‌زمان، تحلیل شده است. پژوهشگران گام‌های زیر را طی نموده‌اند:

۱. جستجو و تمام شماری در کلیه متون و ادبیات تحقیق، نقدها و مصاحبه‌های انجام شده و قوانین، آئین‌نامه‌ها و مقررات مدون آموزش عالی ایران؛

۲. مطالعه و بررسی متن و زمینه (بستر) تحولات پیرامون استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران؛

۳. تحلیل کیفی عبارات و شاخص‌های استخراج‌شده و ظرفیت‌شناسی آن‌ها با دیدگاه تفسیری و انتقادی از طریق کنار هم قرار دادن آن‌ها و بهره‌گیری از نظرات نخبگان و صاحب‌نظران آموزش عالی.

یافته‌های پژوهش

برداشت از استقلال وابستگی زیادی به بافت و بستر کشوری دارد که آموزش عالی در آن شکل گرفته و در حال تکامل است؛ لذا شایسته است پیرامون وضعیت تحقق استقلال دانشگاهی در هر کشوری، تحلیل انتقادی مناسبی بر اساس واقعیات بافت تاریخی و اجتماعی آن کشور صورت پذیرد. روث و داک، در رویکرد خود، چهار مفهوم نقد، قدرت، بافت و ایدئولوژی را مورد تأکید قرار می‌دهد. دقیقاً همین چهار مفهوم در این پژوهش بررسی شده است. نقد انتقادی، قدرت (مداخلات دولتی در آموزش عالی ایران)، بافت (فضای اجتماعی و بافت اسلامی - ایرانی کشورمان) و ایدئولوژی (گفتمان استقلال دانشگاهی ایران). در این پژوهش قصد بر این بوده است که با در نظر داشتن توأمان تعامل بین سه واژه (فضا) از عوامل تشکیل‌دهنده وضعیت کنونی استقلال دانشگاهی در ایران (همان قدرت، بافت و ایدئولوژی)، این شرایط از بُعد تاریخی نقد گردد یا به تعبیری دیگر، به تحلیل انتقادی تاریخی عدم تحقق استقلال دانشگاهی متناسب نظام آموزش عالی ایران پرداخته شود. در این راستا، دو حوزه می‌تواند بسیار اثرگذار باشد؛ ابتدا، سنت‌ها و هنجارهای علمی و دوم، مداخلات و اعمال قدرت دولت؛ لذا تلاش شده است این تحلیل با تقسیم‌بندی به دو حوزه اشاره‌شده، صورت پذیرد.

دلایل تاریخی متأثر از سنت‌ها و هنجارهای علمی

۱. عدم شکل‌گیری آموزش عالی از درون سنن علمی، تحقیقاتی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه

ایرانی

در ایران معاصر، نهاد دانشگاه به‌عنوان یک نهاد تولید دانش در نتیجه روند مدرنیزاسیون بی‌بنیاد ایرانی و الگوبرداری‌های صوری از جوامع غربی به شکل تحمیلی پدید آمد (۱۱). به‌رغم پیشینه درخشانی که تأسیس نهاد دانشگاه در ایران از پیش از اسلام و بعد از اسلام و دوره طلایی سه قرن اول بعد از اسلام دارد ولی به نظر می‌آید تأسیس نهاد جدید دانشگاه در ایران با یک ناپیوستگی مواجه است. ایران بنا به‌اتفاق نظر محققان برجسته تاریخی از پیشینه و داشته درخشانی در زمینه آموزش عالی هم در دوران تمدن پیش از اسلام و هم پس‌از آن

برخوردار بوده است اما این سرمایه عظیم علمی و فرهنگی به دوران معاصر نرسید (۶). دانشگاه در ایران از آغاز درون دولت به وجود آمد و فاقد ریشه‌های هنجاری قوی و نظام حرفه‌ای درون‌زا بود (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۲۷). به نظر می‌رسد این عوامل باعث شده است که بعضی از صاحب‌نظران نهاد دانشگاه در ایران را، غربی دانسته و معتقدند وقتی از دانشگاه در ایران سخن می‌گوییم در واقع از مختصات و سازوکارهای یک نهاد اجتماعی مولود غرب و تأثیر آن در بازتولید جامعه غرب در کشور خودمان سخن می‌گوییم. این دیدگاه در واقع همان چیزی است که با انتظارات ما به‌عنوان یک ایرانی از بافت اسلامی- ایرانی دانشگاه تطابق ندارد.

۲. تفسیر ناصحیح هویتی از مفهوم دانشگاه در ایران از ابتدای شکل‌گیری

این همان چیزی است که خورسندی طاسکوه (۱۳۹۶: ۱۹) از آن به «آشفته‌گی فلسفی و ضعف معرفتی نهاد دانشگاه» و «چالش تاریخی هویت و آشفته‌گی کارکرد» در آموزش عالی ایران یاد می‌نماید. وی معتقد است: «وقتی که از دانشگاه صحبت می‌کنیم، در حقیقت از دو هویت حرف می‌زنیم: به‌عنوان یک نهاد^۱ یا یک سازمان^۲. در کشور ما، دانشگاه به‌مثابه یک سازمان در قالب ساختار و ساختمان و فرایندهای سازمانی و آموزشی بوروکراتیک رشد بی‌نظیر داشته است. اگر ما مقام دوم جهان را در زمینه تعداد شعبات دانشگاهی (پس از چین) داریم، در حقیقت این مسئله مثالی از رشد سازمانی دانشگاه در ایران است؛ یعنی در معنای سازمانی دانشگاه، ساختمان‌های خوبی ساخته‌ایم، آدم‌های بوروکراتیک متعددی فعالیت می‌کنند، فرایند جذب اعضای هیئت‌علمی یکپارچه‌ای احداث کرده‌ایم و ... اما در زمینه رشد نهادی دانشگاه، با بحران هویت مواجه هستیم و دانشگاه به معنی نهادی خود حتی به ایران ورود پیدا نکرده است؛ یا در بهترین شرایط، نسخه بسیار ضعیف و عقیمی از آن وارد ایران شده است. دانشگاه در معنای نهادی باید عقل منفصل جامعه باشد. آیا چنین چیزی مشاهده می‌کنید؟». در ایران، فرایند شکل‌گیری هویت دانشگاهی اتفاق نیفتاده است. ما دانشگاه را وارد کردیم یا ساختمان‌هایی به‌عنوان دانشگاه ایجاد کردیم ولی این تجربه مدرنیته و حس سوژگی را مثل اروپایی‌ها، طی و تجربه و زیست نکردیم. چیزی که در ایران اتفاق افتاد بیشتر پروژه مدرنیزاسیون بود تا پروسه مدرنیته. ورود یا خرید دانشگاه جزئی از برنامه مدرنیزاسیون دولتی بود (۲). به‌عبارتی دیگر در ایران معاصر، تلاش نمودیم دانشگاه ایجاد کنیم یا هویت دانشگاهی را خلق نماییم بلکه تلاش بر این بوده است که سازوکارهای دانشگاه شامل ساختمان، استاد، دانشجو و ... را دنبال نماییم و به همین دلیل از کارکردهای درونی نهاد دانشگاه که هویت آن را می‌سازد غافل ماندیم.

۱. Institute

۲. Organization

۳. بحران فهم آموزش عالی، انتظار تاریخی مدرک‌گرایی از دانشگاه ایرانی و نگاه ابزاری به آن

ما در فهم آموزش عالی جدید و تحولات آن در مانده‌ایم. امروزه، چقدر از فهم جامعه ما از آموزش عالی، با فهم و انتظارات از آموزش عالی در سایر کشورها همخوانی دارد؟ چقدر از تغییر نقش آموزش عالی در دنیای جدید و در ارتباط با صنعت و بازار آگاه هستند؟ آیا همگام با تغییرات پیرامونی آموزش عالی و جایجایی نقش و انتظارات از آموزش عالی، پندارهای دانشگاهیان و جامعه ایرانی از آموزش عالی تغییر یافته یا همچنان در فهم ثابت و بدون تغییر از آموزش عالی در یک‌صد سال گذشته باقی مانده‌ایم؟ چقدر فکر می‌کنیم که تغییرات زیر در آموزش عالی برای ما قابل فهم است؟ (فاضلی، ۱۳۹۳: ۲۱). گرایش به مدرک‌گرایی و اهمیت بیش‌ازحد به آن و از طرفی، سیاسی شدن مدرک دانشگاهی باعث شده تا دانشگاه در جایگاه خاصی از نظر ساختار قدرت در جامعه ما قرار گیرد و مدرک دادن، مدرک گرفتن و جایگاه دانشگاهی پیدا کردن به نوعی وارد محاسبات قدرت در جامعه شده است. در تاریخ معاصر، همواره وزارت علوم یکی از پرفشارترین وزارتخانه‌ها بوده است در حالی که باید برعکس باشد (۱). مدرک‌گرایی نتیجه دولت‌سالاری در آموزش عالی و نظام متمرکز و سنتی موجود در ایران است. اگر دانشگاه‌ها در شرایط رقابتی و با استقلال آکادمیک کار کنند و به دنبال کیفیت و محتوا و اکتشاف و نوآوری و تولید و انتقال دانش سوق باشند یقیناً فروشگاه مدرک نخواهند شد (۲). نگاه تاریخی به دانشگاه‌های ایران ابزاری هست. انتظار جامعه ایران از دانشگاه تا دهه‌ها مدرک بوده است نه نقادی و نوآوری و بخش زیادی از این انتظار همچنان باقی مانده است. به همین دلیل نیاز به استقلال احساس نشده است چون چه در صورت داشتن استقلال و چه در صورت عدم وجود آن، مشکلی در صدور مدارک تحصیلی از سوی آموزش عالی احساس نخواهد شد. در واقع ما در فهم مأموریت اصلی آموزش عالی در کشورها و تغییرات پیرامون این مأموریت‌ها، عاجز مانده‌ایم و همواره نگاه ما به آموزش عالی، نگاه ابزاری همانند بنگاه صدور مدارک تحصیلی بوده است.

۴. حاکمیت تفکر مذهبی و تمامی خواهی دینی بر نظام آکادمیک، حرفه‌ای و علمی کشور
از ماه‌های نخست پس از پیروزی انقلاب، دانشگاه در معرض کنش‌های سیاسی قرار گرفت. نخستین محصول این کنش، وقوع انقلاب فرهنگی، تعطیلی دانشگاه‌ها و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی بود (۶). فراستخواه (۱۳۹۶: ۱۴۵)، از این مقوله، به‌عنوان «غلبه امر ایدئولوژیک بر امر آکادمیک» در نظام آموزش عالی ایران، یاد نموده و بیان می‌نماید: «انواع ایدئولوژی‌هایی چپ و مذهبی و بومی‌گرایی در جامعه رشد کرد ولی وقتی به یک مشکل حاد تبدیل شد که این آب‌ها به آسیاب حکومت انقلابی آن‌هم در یک شرایط ملتهب پوپولیستی ریخته شد. انقلاب فرهنگی در فضایی متأثر از درکی از اسلام به‌مثابه ایدئولوژی دولتی به‌علاوه الگوهای چپ روسی و انقلاب فرهنگی در چین، باقی‌مانده ناچیز و سیاست زده و نفت زده استقلال دانشگاهی در دانشگاه‌های ما را یکسره از بین برد و با تصرف سیاسی دانشگاه‌ها و تعطیل کردن آن‌ها و سپس با آغاز رسمی دوره‌ای از برنامه‌ریزی و

مدیریت تمرکزگرایانه حکومتی، ابتدایی‌ترین اصول و قواعد امر آکادمیک زیر پا گذاشته شد. تمرکزگرایی در آموزش عالی و غلبه ایدئولوژی بر آن و سلطه سیاست بر علم و دانشگاه، سبب شده که نظام علمی ما دچار کژدیسیگی بشود، دانشگاهی که مدیریت آن سیاسی و ایدئولوژیک است دانشگاهی ناکارکرد و بدکارکرد می‌شود. در برخی از کشورها که معمولاً بودجه دانشگاه از سوی دولت تأمین می‌شود حکومت‌ها ممکن است تلاش نمایند ایدئولوژی خاص خود را بر همه چیز اعمال کنند. دولت سالاری و تفوق یک ایدئولوژی رسمی بر فضاهای آموزشی، آموزش علوم انسانی و اجتماعی در ایران را تا حد زیادی سیاست زده و ایدئولوژی زده کرده است (۲).

۵. مغالطه معنایی و عدم ترسیم صحیح مفهوم استقلال دانشگاه

در مبانی نظری پژوهش آمده که دکتر آراسته معتقد است: «موضوع استقلال دانشگاهی در ایران همواره با کشمکش و مجادله و سوء فهم مواجهه بوده است». اساساً استقلال در دانشگاه یعنی چه؟ چرا استقلال؟ به واقع اگر درک صحیحی از استقلال دانشگاه وجود نداشته باشد، همان می‌شود که الآن هست یعنی باوجود انبوهی از مقررات که مبین اعطای اختیارات گسترده برای اداره مستقل دانشگاه است، کماکان همه، اعم از مسئولان وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها و حتی اعضای هیئت علمی سخن از استقلال دانشگاه به میان می‌آورند (۱۰). در کشور ما نوعی ترس از ناشناخته‌ها و ابهام در فرایند کسب استقلال دانشگاهی مشهود است که توسط جامعه دانشگاهیان باید مرتفع شود به گونه‌ای که استقلال دانشگاهی، به غلط مترادف استقلال سیاسی از دولت تلقی نشود. در شرایط سیطره نهادهای سیاست و اقتصاد در دوران معاصر، بسیاری از مفسران آموزش عالی، استقلال دانشگاه را در وجوه ساده سلبی استقلال از ساخت قدرت و نظام اقتصادی دیده‌اند (۱۱). در بررسی تاریخی از تلقی از استقلال دانشگاهی، شاید به این نکته برسیم که هم دولتی‌ها و هم دانشگاهیان در مقاطع زیادی دچار کژفهمی‌هایی از مفهوم استقلال دانشگاه شده‌اند. به نظر اولین قدم برای تحقق استقلال دانشگاه در آموزش عالی ایران، باید رفع ابهامات موضوعی و مفهومی از این ارزش باشد.

۶. فقدان مفاهیم محترمانه و هم‌افزا بین نهادهای «جامعه دانشگاهی»، «جامعه سیاسی» و «جامعه مدنی» با یکدیگر

گفتگو و کنش فعال میان سه نهاد «دانشگاه»، «سیاست» و «جامعه» بر سر مسئله یا مسائل مشترک در ایران، همواره دشوار و گاه محال بوده است. حاصل این دشواری، گسست و عدم توازن پیوند میان «دانشمند»، «روشنفکر» و «سیاست ورز» ایرانی است. «دانشمندان غیر روشنفکر و غیرسیاسی»، «روشنفکران غیر آکادمیک و گریزان از سیاست» و «سیاست ورزان ضد روشنفکر و ضد آکادمیک» در این سه حوزه، چهره‌های متعارف‌تر و پرشمارتر نخبگانی بوده‌اند که خواسته‌اند این سه عرصه را در ناپیوندی با یکدیگر ببینند (۶). در جوامع موفق،

دانشگاه در متن جامعه و در ارتباط با دنیای کار و صنعت و بخش‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه پیش می‌رود و با آن‌ها تعامل خلاق دارد (۲). به دلیل عدم همفکری و هم‌افزایی لازم بین سه نهاد «جامعه دانشگاهی»، «جامعه سیاسی» و «جامعه مدنی» و نبود پذیرش لازم برای درک حقایق از سوی هر یک از این سه گروه و فرافکنی‌های مختلف، تاکنون بستر و فهم لازم برای درک ضرورت نیاز جامعه دانشگاهی به استقلال به صورت توأمان و هم‌زمان از سوی این نهاد محقق نشده است. در واقع منظور این است چنانچه این ارزش برای جامعه دانشگاهی به صورت هم‌زمان از سوی هر سه نهاد مطالبه شود یقیناً فضا و بستر مطلوب‌تری برای تحقق و رشد در فضای آموزش عالی کشورمان فراهم خواهد شد.

دلایل تاریخی متأثر از مداخلات و اعمال قدرت دولت

۱. وابستگی دانشگاه‌ها به منابع دولتی و فقدان تنوع منابع مالی در آموزش عالی

در آموزش عالی ایران، تلاش بر تمرکززدایی و رفع تصدی از دولت برای افزایش استقلال دانشگاه و آزادی علمی قرار دارد ولی در عمل، دیوانسالاری نفتی، ایدئولوژی دولتی، گروه‌های فشار، گروه‌های رانتی، فرهنگ و عادت واره‌های متناظر با آن کار خودش را می‌کند (۲). ساختار اقتصادی فعلی دانشگاه‌ها در کشور، اجازه استقلال به معنای واقعی آن را به ما نمی‌دهد، چراکه در حال حاضر هشتاد درصد بودجه دانشگاه‌ها برای پرداخت حقوق و دستمزدها است که از طریق دولت تأمین می‌شود و مابقی هزینه‌ها نیز از طریق دولت تأمین می‌شود. مدیریت درآمد در دانشگاه‌های ما معنایی ندارد و رؤسای دانشگاه‌ها همچنان مدیر هزینه هستند و در این زمینه، رئیس دانشگاهی موفق است که بتواند بودجه بیشتری بگیرد و درجایی راحت‌تر و منطقی‌تر هزینه کند (۱). وابستگی دانشگاه‌ها به منابع مالی دولتی و فقدان جذب منابع مالی کافی از جمله درآمدهای اختصاصی، باعث وابستگی بیشتر دانشگاه‌ها به دولت شده است. تحقق استقلال سازمانی و علمی با استقلال مالی رابطه تنگاتنگی دارد و می‌تواند به عنوان پیش شرط استقلال در دیگر حوزه‌ها محسوب شود (۴). فقدان تنوع منابع مالی و وابستگی شدید آموزش عالی ایران به منابع مالی دولتی، نتیجه‌ای دوسویه داشته است. از یک طرف دولت‌ها به دلیل سرمایه‌گذاری و حمایت مالی (برخلاف رویه‌های جهانی)، انتظار دخالت و پاسخگویی دارند و از سوی دیگر دانشگاه‌ها تمایل ندارند که به صورت کامل از دولت مستقل گردند (۷)؛ لذا وابستگی اقتصادی نهاد دانشگاه (با تأکید بر دانشگاه‌های اصلی و دولتی) به دولت و منابع عمومی، زمینه را برای تحمیل سیاست‌های دولتی بر دانشگاه‌ها فراهم می‌سازد که از منظر بسیاری از صاحب‌نظران، وابستگی مالی به دولت، ضد استقلال دانشگاهی است.

۲. بنیان‌گذاری دانشگاه توسط حکومت مرکزی و ذهنیت تاریخی احتساب آموزش عالی به‌عنوان دستگاه**دولتی**

یکی از دلایل نبود استقلال در دانشگاه‌ها در ایران، پیدایش دانشگاه در درون دولت و قدرت فراگیر دولت است. تشکیل نهاد دانشگاه در ایران، از ابتدا دولتی بوده و دانشگاه‌های دولتی از بدو امر در قالب سازمان اداری «موسسه دولتی» شناسایی شدند. البته شاید لازم بوده که دولتی باشد. وقتی دانشگاه در ایران به تلاش پهلوی شکل گرفته بود شاید اگر رضاخان وارد نمی‌شد دانشگاه شکل نمی‌گرفت یعنی با وضعیت اجتماعی و توسعه‌نیافتگی آن زمان، لازم بود دولت پهلوی اول ورود کند تا دانشگاه شکل بگیرد. بعدازاینکه دانشگاه شکل گرفت و جا افتاد و دانشگاه‌ها زیاد شدند این همچنان دولتی بودن دانشگاه در ایران ادامه پیدا کرد و خصوصی‌سازی هم که شد این وجه سیاسی و علمی، خصوصی نشد. وضعیت فعلی دانشگاه‌های ما به لحاظ وابستگی چندگانه به دولت به‌گونه‌ای است که در کوتاه‌مدت تصور استقلال و پیاده‌سازی آن، بسیار بیهوده بوده و امکان‌پذیر نیست. دانشگاه‌های ما در حال حاضر بدون وابستگی به دولت قادر به ادامه حیات نیستند (۹). به لحاظ تاریخی چون دانشگاه‌ها در دولت شکل گرفته‌اند، یک‌جور القایی وجود دارد که دانشگاه‌ها باید در حیطه وظایف دولت باشند و از طرف دولت حمایت بشوند و این باعث شده که دانشگاه‌ها تلاشی برای استقلال نکنند (۷). این نوع پیدایش دانشگاه در ایران زمینه نوعی بیگانگی این نهاد اجتماعی را هم با نهاد دانش و هم‌ساخت اجتماعی فراهم کرده است (۱۱). با توجه به غالب بودن نگاه دولتی به آموزش عالی ایران، عموماً انتظار این است که آموزش عالی نیز همانند سایر دستگاه‌های دولتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آن از سوی دولت صورت پذیرد. دلیل اصلی این موضوع، در وجود یک ذهنیت تاریخی در جامعه دانشگاهیان است که به لحاظ تاریخی وابسته به دولت بوده و در دولت شکل گرفتند و انتظار دارند دولت از این نظر، از آن‌ها حمایت کند.

۳. دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در حکمرانی و سیاست‌گذاری آموزش عالی و مداخلات غیرقانونی در**دانشگاه‌ها**

نگاه دولتمردان کشور، به دانشگاه همان نگاهی است که به سایر ادارات است. یک دیدگاه کاملاً مالکانه که باید تمامی نظرات و عقاید و بخشنامه‌هایش در دانشگاه تأمین و اجرایی شود (۵). در ایران، مسئولیت نهایی کیفیت مؤسسات آموزش عالی و کار علمی بر عهده دولت است و دولت باید در این زمینه پاسخگو باشد؛ بنابراین دولت همواره به‌عنوان زیرسیستم خود به مؤسسات آموزش عالی نگاه می‌کند و نوع نگاه جامعه به مؤسسات آموزش عالی نیز بر همین منوال است (۷). در انتخاب اعضاء و کارکرد هیئت‌های امنای دانشگاه هم مداخله دولتی را به‌وضوح می‌توان مشاهده نمود. ترکیب، کاملاً دولتی است. وقتی ترکیب، دولتی شد اولین عیب این

است که موضوع استقلال منتفی است. کسی نمی‌تواند برخلاف دولت یا وزارتخانه به معنا عام و برخلاف یک بخشنامه به معنای خاص، رفتار یا اظهارنظر دیگری داشته باشد (۱۰). دانشگاه‌های غیردولتی از قبیل دانشگاه آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی و علمی- کاربردی، از حیث ساختاری تحت کنترل دولت بوده و روشن است که چون در کشور ما بخش خصوصی قدرتمندی با اوصاف ماهوی خصوصی‌سازی شکل نگرفته، اساساً نمی‌توان این دانشگاه‌ها را غیردولتی برشمرد و استقلال آن‌ها از حیث مالی منجر به قطع وابستگی آن‌ها به شورای عالی انقلاب فرهنگی و به تبع آن استقلال سازمانی و مدیریتی نشده و نمی‌شود. دانشگاه‌های غیردولتی در کشور ما از حیث مالی مستقل و از حیث ساختاری مجری سیاست‌های آموزشی دولتی هستند، یعنی وضعیتی واژگونه. وضعیت مدیریت دانشگاه‌های غیردولتی در کشور ما شاهدهی است بر این‌که مشکل اصلی آموزش عالی، وابستگی ساختاری مدیریت به دولت است و به این لحاظ خصوصی‌سازی آموزش عالی نقشی در کیفیت نخواهد داشت و مبنای این وابستگی ساختاری چیزی نیست جز فقدان اعتماد متقابل بین نهاد دانشگاه و دولت (۸). اگر دانشگاه‌ها در ایران خصوصی شد خصوصی‌سازی از آن جهت شد که یک دانشگاهی به نام دانشگاه آزاد شکل گرفت ولی تمام مسئولین و دولتمردان وقت، آن را تشکیل دادند. ما واقعاً نمی‌توانیم بگوییم حتی دانشگاه آزاد یک دانشگاه خصوصی است. گفتن این حرف در نظام آموزش عالی ایران، سخت است. در واقع معنای خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها یا علم در خارج از کشور بامعنا و شکلی که در ایران وجود دارد، فرق می‌کند (۹). میل دولت به مداخله‌گری در فرایندهای دانشگاه و کنترل بیرونی و دیوان‌سالار آن، سایه دستگاہ دولتی برای آموزش عالی ایران را روزبه‌روز افزایش داده و به نظر می‌رسد که رویکردهای اداری و سیاسی کاملاً بر رویکردهای علمی در جامعه دانشگاهی ایران غلبه دارد.

۴. عدم شکل‌گیری مفهوم، جایگاه و نقش واقعی هیئت امناء در دانشگاه‌های ایران

در اداره هیئت‌امنایی، دانشگاه به ذات خودش دارای استقلال است. مرحوم علی‌اکبر سیاسی سعی می‌کرد به شاه بفهماند که دانشگاه اداره دخانیات نیست، دانشگاه یک‌نهاد حرفه‌ای است که باید توسط خود دانشگاهیان اداره شود (۲). نهاد دانشگاه از ابتدای تشکیل دانشگاه تهران و تصویب قانون مربوط به هیئت‌امنای آن تاکنون، همواره به‌صورت هیئت‌امنایی اداره شده یا دست‌کم، بر اساس قوانین و مقررات، قرار بوده که چنین باشد؛ اما در عمل اعضای هیئت‌امنا از میان افراد امین دولت، منصوب شدند و جامعه مدنی دانشگاهیان، فراموش شد. نتیجه این‌که بافت اعضای هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها از ۱۳۴۶ تاکنون، تمام دولتی و انتصابی و غیرمنتخب بوده و ترکیب مدیران دانشگاه‌ها، به جای علمی و تخصصی بودن، سیاسی بوده و با تغییر پایگاه حزب قوه مجریه، این مهم در اداره دانشگاه‌ها تأثیر مستقیم داشته است (۹). با نگاه اجمالی به ترکیب اعضای هیئت امناء در دانشگاه‌های ایران مشخص است: اولاً بیشتر اشخاص در مجموعه دولت هستند و تمرکزگرایی دولت به‌خوبی روشن است. ثانیاً بیشتر اعضاء دارای مسئولیت‌های مهم و سنگینی هستند که بسیار دشوار است بتوانند وقتی

برای دانشگاه صرف نمایند. نظام فعلی و رویه حاکم بر هیئت‌امنا دارای ایرادات متعددی است که موجب عدم کارایی این هیئت است (۱۰). سرانجام این‌که هیئت‌امنایی شدن دانشگاه‌ها و مستثنا شدن آن‌ها از قوانین عام مملکتی و خودتنظیمی آن‌ها به دلیل وابستگی سیاسی دانشگاه‌ها و انتصابی بودن مدیران آن‌ها و به بیان بهتر عدم مشارکت دانشگاهیان اعم از استادان، کارکنان و دانشجویان، بحث استقلال دانشگاهی را مغفول گذاشته و کارایی مقصود را نداشته است.

۵. غلبه تاریخی نگرش‌های سیاسی بر فضای علمی در دانشگاه‌ها

در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته به علت بسته بودن فضای سیاسی و اجتماعی، مجالی برای اندیشه ورزی و بیان آزادانه افکار پدید نمی‌آید. فراسنخواه (۱۳۹۶: ۱۴۵)، از این موضوع به‌عنوان «غلبه امر سیاسی بر امر دانشگاهی» یاد نموده و ادامه می‌دهد: «دانشگاه در همان ابتدای تشکیل در ایران، تلاش داشت تا حد امکان از نفوذ و مداخلات سیاست، دور و مستقل باشد ولی سرانجام درماند. با تمام سرگذشتی که بر آموزش عالی نوین ایران در عصر معاصر گذشت باید اشاره نمود که به همین دلیل، استقلال دانشگاهی در ایران، رو به نکال گذاشت». حاکمیت دیدگاه‌های خاص جناحی، سیاسی و قومی مانعی بر سر راه حفظ استقلال دانشگاه‌ها است. در وضعیت فعلی امکان نقد و تضارب آراء در دانشگاه‌های ما بسیار کم است. یک بُعد مهم استقلال دانشگاه‌ها این است که در عین وابستگی به دولت در تأمین نیازهای مالی‌شان، در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی، با رعایت نیازها و اولویت‌های ملی، مستقل باشند و نظارت دولت مانع از آزاداندیشی در دانشگاه‌ها و روحیه حقیقت‌جویی پژوهشگران نگردد. همچنین برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های علمی نباید تحت تأثیر تحولات سیاسی تغییر کند (۳). کاربست توسعه علمی در رفتار و کردار سیاسی، همواره امری دشوار بوده است. ما در مشروطیت از اندیشه سیاسی آغاز کردیم، اما «دارالفنون» را و نهادیم. در انقلاب اسلامی به‌درستی از استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی سخن گفتیم، اما به «دانشگاه» تنها نگاهی از منظر سیاست داشتیم (۶). گفتگو، نقد، نقادی و تلاش برای کشف حقیقت و حقایق بیشتر در ذات دانشگاه است و مداخله در دانشگاه و محدود کردن استقلال دانشگاه از هر ناحیه‌ای که باشد، چه دستگاه‌های رسمی، چه دولت و چه سایر قوا و مجموعه‌های مختلف می‌تواند مشکل ایجاد کند.

۶. دخیل نبودن دانشگاهیان در سرنوشت و تصمیمات دانشگاه

در طول قریب به نیم‌قرن گذشته، در هیچ دوره‌ای، حتی با رویکردی حداقلی، بخشی از ترکیب مدیران دانشگاه به انتخاب خود دانشگاهیان واگذار نشده است. فقدان مشارکت ارکان دانشگاه اعم از اعضای هیئت‌علمی، غیر هیئت‌علمی و دانشجویان در انتخاب یا حتی پیشنهاد رئیس و اعضای هیئت‌امنای دانشگاه‌ها، مشهود است. امری که درنهایت، موجب انتزاع کامل دانشگاه‌ها از عرصه خصوصی و حضوری کامل و حداکثری در فضای دولتی

دارد (۹). در آموزش عالی ایران، انتخاب ریاست دانشگاه، در اختیار شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و دانشگاه‌ها در تعیین آن، هیچ اختیاری ندارند. به عبارتی دیگر، فقدان استقلال مدیریتی در دانشگاه‌ها به نحوی که اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌ها نقش سازمان‌یافته‌ای در انتخاب روسای دانشگاه خود نداشته و در ادامه همین وضعیت در داخل دانشگاه‌ها نیز دخالتی منسجم و قانونمند در تعیین روسای دانشکده‌ها و پژوهشکده‌های خود ندارند و اگر دخالتی هم در معدود دانشگاه‌ها ملاحظه می‌شود از لطف و همراهی رئیس دانشگاه ذی‌ربط هست از این رو دانشگاهیان انگیزه‌ای برای استقلال ندارند در واقع این گونه تلقی می‌شود که اختیارات لازم را در حوزه حکمرانی و انتخاب مسئولین در آموزش عالی ندارند.

۷. ضعف خودگردانی دانشگاه‌ها در تهیه و تنظیم محتوا در آموزش عالی

استقلال محتوایی در دانشگاه‌های غربی رایج است ولی در بیشتر کشورهای جهان سوم به آن اهمیت داده نمی‌شود. در ایران، به نظر می‌رسد این استقلال، با امر سیاسی تداخل پیدا کرده است. در ایران از دبستان تا پایان دانشگاه مواد درسی را به استادان می‌گوییم چه درس بدهند. ما حتی برای دکتری هم می‌گوییم شما باید این درس‌ها، مفاد و سرفصل‌ها را بدهید (۹). با این توضیح، باید اذعان نماییم که دانشگاه‌ها در کشور ما در زمینه استقلال محتوایی، نقش کم‌رنگی داشته و بدتر از آن اینکه، یک درس را باید در بیش از دو هزار دانشگاه، همه استادان با یک سرفصل و یک محتوای درسی تدریس نمایند که این موضوع ذوق و ابتکار را از استاد گرفته و به نوعی رخوت و خمودی را جایگزین می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

از بین هفت دلیل اشاره‌شده متأثر از مداخلات و اعمال قدرت دولت پیرامون ضعف تحقق استقلال دانشگاهی مطلوب در آموزش عالی ایران به لحاظ تاریخی، حداقل چهار مورد به حوزه استقلال سازمانی برمی‌گردد (بند‌های ۲، ۳، ۴ و ۶) که این یافته با تحقیق ذاکر صالحی (۱۳۹۲)، مبنی بر اینکه «غالب مصوبات و قوانین اصلی آموزش عالی ایران در حوزه‌های تشکیلاتی، ساختاری، اداری و مالی بوده و جنبه‌های علمی و آکادمیک کمتر در کانون توجه بوده است»، همخوانی دارد. پس از استقلال سازمانی، به نظر می‌رسد که به لحاظ تاریخی، استقلال علمی در ایران با چالش‌های مختلفی مواجه بوده است که غالب این موضوع به بند ۴ از دلایل متأثر از سنت‌ها و هنجارهای علمی و بند ۵ از دلایل متأثر از مداخلات و اعمال قدرت دولت برمی‌گردد که مستقیماً با پژوهش فراستخواه (۱۳۹۶)، تطابق دارد. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه، به‌غیر از بند چهار از دلایل متأثر از سنت‌ها و هنجارهای علمی (حاکمیت تفکر مذهبی و تمامی خواهی دینی بر نظام آکادمیک، حرفه‌ای و علمی کشور)، در تحقیقات اشاره‌شده در متن پژوهش، از سایر دلایل اشاره‌شده مرتبط با این محور، مطلب کمتری به میان آمده است حال آنکه از دلایل متأثر از مداخلات و اعمال قدرت دولت، در ادبیات پژوهش و تحقیقات مختلف،

به دفعات متعدد، سخن به میان آمده و نشان‌دهنده این موضوع است که وزن دلایل مربوط به مداخلات و اعمال قدرت دولت به مراتب بیشتر از دلایل متأثر از سنت‌ها و هنجارهای علمی بوده و این موضوع با یافته‌های پژوهش‌های فراستخواه (۱۳۸۹ و ۱۳۹۶)، زاهدی اصل (۱۳۹۶)، خورسندی طاسکوه (۱۳۹۶) رزاق مرندی و همکاران (۱۳۹۲)، شرفی (۱۳۹۶) و ... همخوانی دارد.

نظام آموزش عالی و نهاد دانشگاه در ایران طی بیش از یک سده اخیر در قالب برنامه‌ها و سیاست‌های دولت شکل گرفته، توسعه یافته و همچنان مدیریت و کنترل می‌شود. وابستگی دانشگاه به دولت، کار ویژه اصلی این نهاد، یعنی تولید و ترویج دانش علمی را به شدت تحت تأثیر ملاحظات و اولویت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و بوروکراتیک قرار داده و کم‌وبیش مختل ساخته است. به علاوه، بی‌ثباتی‌های پی‌درپی سیاسی و ناپایداری جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های دولت، به ویژه طی چند دهه اخیر، آسیب‌های مزبور را شدت بخشیده است. از همین رو مسئله خودمختاری دانشگاهی در ایران روندی پیچیده و پرفرازونشیب داشته و بجای یک سیر منظم تکاملی، با افت و خیز همراه بوده است.

مشکل در ایران آن است که نوعی دیوانسالاری دولتی و اقتصاد نفتی و الگوی ایدئولوژیک و رویکردهای سنتی است که تعیین‌کننده سیاست‌ها و برنامه‌ها و ساختار و فضای دانشگاه در ایران شده و نتیجه‌اش ناکارکرد شدن دانشگاه ایرانی و بازماندن آن از پویایی‌های لازم آکادمیک بوده است. دانشگاه نا آزاد یا دانشگاه آزاد صورت‌گرا هرگز مرزهای دانش را نخواهد درنوردید (۲). بحث از استقلال و آزادی علمی در دانشگاه‌ها به معنای از بین رفتن نقش دولت در دانشگاه‌ها نیست بلکه واگذاری اختیارات مدیریتی و برنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها علاوه بر ایجاد فرصت برای رشد و بالندگی مدیران امروز و تربیت مدیران فردا، امکان پرداختن دولت به امور مهم‌تری چون حمایت از دانشگاه‌ها، نظارت بر حسن اجرای مدیریت دانشگاهی و استقرار مکانیسم‌های پاسخگویی را فراهم می‌آورد. در تائید یافته‌های تحقیق و همسویی با مطالب بالا، باید اشاره نمود که گام اول مشکلات آموزش عالی ایران، نبود استقلال سازمانی است. یکی از ظلم‌هایی که از سال‌های طولانی به دانشگاه و دانشگاهیان شده و متأسفانه همچنان توسط اقلیتی بر آن پافشاری می‌شود تفسیر ناصواب از دخالت و مشارکت دانشگاهیان در امور دانشگاه و کشور است. اگر قرار است دانشگاهیان در تعیین سرنوشت کشور سهیم باشند، ابتدا باید در تعیین سرنوشت خود از ابعاد مدیریتی و آموزشی دخیل باشند و این مهم درگرو دانشگاه مستقل است؛ بنابراین امروز آنچه دانشگاه و جوامع علمی در کشور به آن نیاز دارند، دخالت و مشارکت بیشتر دانشگاهیان در خودگردانی دانشگاه به شکل صحیح، قانونی و عقلانی است.

با توجه به یافته‌های تحقیق، راهبردهای این پژوهش به منظور توسعه استقلال دانشگاهی کشورمان، در دو سطح اقدامات دانشگاهیان و دولتمردان به شرح زیر است:

اقدامات مرتبط با دانشگاهیان

- تلاش بیشتر دانشگاهیان و اجتماع علمی برای غلبه بر رویه‌ها و عادات کنونی و تحرک قانونی، سامانمند و اثربخش از سوی آنان برای مطالبه استقلال؛
- برنامه‌ریزی و پاسخگویی مناسب دانشگاه‌ها برای کسب اعتماد بیشتر دولت و جامعه در جهت تحقق انتظارات از آموزش عالی؛
- تلاش برای ترسیم مفهوم صحیح از استقلال دانشگاه در نظر دولتمردان و دانشگاهیان.

اقدامات مرتبط با دولتمردان

- تعدیل دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در حکمرانی و سیاست‌گذاری آموزش عالی و مداخلات غیرقانونی در دانشگاه‌ها؛
- تصحیح مفهوم و انتظارات و بهبود جایگاه و نقش هیئت امناء در دانشگاه‌ها؛
- کاهش وابستگی دانشگاه‌ها به منابع دولتی و افزایش تنوع منابع مالی و خود درآمدی در آموزش عالی؛
- تلاش برای تعدیل نگرش‌های سیاسی و مذهبی افراطی در دانشگاه‌ها و استفاده ابزاری از آن؛
- کاهش تمرکزگرایی، تصدی‌گری و دیوان‌سالاری دولت محیط‌های دانشگاهی؛
- جلوگیری از افزایش بی‌رویه کمی‌گرایی و مدرک‌گرایی در آموزش عالی و فهم صحیح هویتی از دانشگاه؛
- تلاش برای حضور و دخالت هر چه بیشتر دانشگاهیان در تصمیمات علمی و دانشگاهی.

منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۳). آزادی علمی در دائره‌المعارف آموزش عالی. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۴). «تکامل آموزش عالی: تحولات تاریخی و مشکلات پیش‌روی کشورهای درحال توسعه»، مجله رهیافت، شماره ۳۶.
- خلفخانی، مهدی (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی شیوه‌های حمایت دولتی از نظام آموزش عالی خصوصی و دولتی، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۵(۴)، ۸۳-۱۰۶.
- خلیلی، ابراهیم (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران. رساله دکتری رشته مدیریت آموزش عالی، تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۶). گفتمان میان‌رشته‌ای دانش؛ خط‌مشی‌هایی برای عمل در آموزش عالی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (پاییز ۱۳۹۲). مطالعه ظرفیت‌های قانونی استقلال دانشگاه در ایران. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۵(۴)، ۲۳-۵۵.

_ رزاق مرندی، هادی؛ رحیم‌زاده، خرم؛ خواجه‌اف، قربان (۱۳۹۲). استقلال نهادی دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۵(۴)، ۱۶۳-۱۳۷.

_ زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۶). مفهوم استقلال دانشگاه، مبانی حقوقی، موانع و محدودیت‌ها. مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

_ شرفی، محمد (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی استقلال دانشگاه‌ها و چالش‌های پیش روی آن. مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

_ غفرانی، محمدباقر (۱۳۸۲). مسائل ساختاری نظام آموزش عالی ایران و راه‌های برون‌رفت از آن. نشریه مجلس و پژوهش، ۱۰(۴۱).

_ فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۳). فرهنگ و دانشگاه. تهران: ثالث.

_ فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی. تهران: نی.

_ فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶). استقلال دانشگاهی در ایران؛ پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌ها. مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

_Ahmadvand Moslem (۲۰۰۷) Critical Discourse Analysis: An Introduction to Major Approaches, Dinamika Bahasa dan Ilmu Budaya, pp ۸۲-۹۰.

_Arasteh, H. R. (۲۰۰۱). Universities leadership Iranian higher education system: Challenges and deficiencies. Quarterly Journal Research and Planning in Higher Education, ۷(۳ & ۴), ۴۱-۶۹ (in Persian).

_Bergan, Sjur (۲۰۱۸) Academic freedom and institutional autonomy, iau HORIZONS, Vol ۲۲, N ۲, January, pp ۲۹-۳۰. www.iau-aiu.net.

_Bladh, Agneta (۲۰۱۸) Let the views be heard, iau HORIZONS, Vol ۲۲, N ۲, January, pp ۲۹-۳۰. www.iau-aiu.net.

_Estermann, Thomas (۲۰۱۷) University Autonomy in Europe III: Country Profiles, European University Association, Avenue de l'Yser ۲۴ · ۱۰۴۰ Brussels, Belgium.

_Estermann, Thomas & Nokkala, Terhi (۲۰۰۹), University Autonomy in Europe I, European University Association.

_Fairclough Norman (۲۰۱۲) Critical discourse analysis, International Advances in Engineering and Technology (IAET) ISSN: ۲۳۰۵-۸۲۸۵ Vol.۷ July. International Scientific Researchers, pp ۴۵۲-۴۸۷.

_Fielden, J. (۲۰۰۸). Global trends in university governance. World Bank Education, Working Paper Series ۹, Washington: The World Bank.

_Florentina Stoica, Camelia & Safta, Marieta (۲۰۱۳) university autonomy and academic

freedom - meaning and Legal Basis, Perspectives of Business Law Journal, Volume ۲, Issue ۱, November, p ۱۹۲-۱۹۹.

_Hayes, Dennis (۲۰۱۶) Towards a Philosophy of Academic Freedom, Civitas ۲۰۱۶, ۵۵ Tufton Street, London SW۱P ۳QL, Designed and typeset by lukejefford.com: ۶۵-۸۱.

_Kaya, H.O. (۲۰۰۶). Academic Freedom, Institutional Autonomy and the Search for Relevancy in Higher Education in South Africa. In CHE Regional Forum on Government Involvement in Higher Education, Institutional autonomy and Academic Freedom, Johannesburg, South Africa.

_Khorsandi Taskoh, Ali (۲۰۱۴) "A Critical Policy Analysis of Internationalization in Postsecondary Education: An Ontario Case Study", A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, The University of Western Ontario, London, Ontario, Canada.

_Mogashoa, Tebogo (۲۰۱۴) Understanding Critical Discourse Analysis in Qualitative Research, International Journal of Humanities Social Sciences and Education, Volume ۱, Issue ۲.

_Noorda, Sijbolt (۲۰۱۳) Academic Autonomy as a Lifelong Learning Process for Universities, Leadership and Governance in Higher Education, Volume No. ۴, pp ۱-۱۶.

_Pitch, Elevator (۲۰۱۶) University autonomy: Improving educational output. IZA World of Labor, March, www.wol.iza.org: p۱-۱۰.

_Sufean, H & Wong, S.C (۲۰۱۴) University Autonomy: what Academic think about it, International Refereed Research Journal, Vol.-V, Issue-۲, April, www.researchersworld.com.

_Ulrike, Felt Prof & in collaboration with Michaela Glanz (۲۰۱۱), University Autonomy in Europe: Changing Paradigms in Higher Education Policy, University of Vienna.

_Wodak Ruth (۲۰۱۳) Critical Discourse Analysis: Concepts, History, Theory, VOLUME I, Lancaster University, <https://www.researchgate.net/publication>.

_Wodak Ruth (۲۰۱۴) Critical Discourse Analysis, Frankfurt, Germany: Suhrkamp, p ۳۰۲-۳۱۶.

_Xiaoyang, Wang & Bukhari, Nasir. H.S (۲۰۱۳) Critical Discourse Analysis and Educational Research, Journal of Research & Method in Education, Volume ۳, Issue ۱.